

بازبینی تحولات اجتماعی و فرهنگی در مسکن بومی با رویکرد تحلیل ساختاری؛

مورد پژوهی: گمیشان، گرگان

بهنام رجبی فر* - دکتری معماری، عضو هیات علمی گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، مازندران، ایران

حسن گیاهی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی خراسان

رضوی، ایران

Review the social and cultural changes in Turkmen's local housing developmental approach and structural analysis, case study: Gomishan, Gorgan

Abstract

Clarifying the role of contemporary architectural thought oriented field of intellectual model of sociological theories of knowledge regarding the use of field-oriented theorists that the nature and structure of wavy, and flexible, in theory, interstitial social be used as a model of comparative. Next, the resulting model to locate the phenomena of contemporary Iranian society, especially architecture, studied and analyzed. Sociology of knowledge must be able to cause variances in the context of contemporary architecture's social and historical existence as a judge on the misdiagnosis of thought in the field of sociology of architectural control. Identify strategies and funds, through which can be selected according to the criteria of true human thought in a society driven social phenomena such as architecture is possible. In this paper, the approach to structural analysis using genetic and structural research and data collection tools: in-depth interviews, observation and local navigation and reading documents and photographs and field visits to observe social behavior and cultural changes in the design and housing concept has been used. At the end of attempts to referring to the materials and research methods, the research approach to the concept, methodology and knowledge of operational procedures, and then examines the impact and influence of culture on architecture and vice versa in a given procedure in domestic housing areas sample surveys and analytical results it will be scrutinized.

Keywords: native housing, social and cultural developments, developmental approach and structural analysis.

چکیده

تبیین نقش اندیشه زمینه‌گرای معماری معاصر ایران با استفاده از مدل فکری جامعه‌شناختی شناخت به خصوص استفاده از نظریات نظریه پردازان زمینه‌گرا که با ماهیت و ساختار متموج و منعطف خود، در تئوری بینابینی اجتماعی، می‌تواند به عنوان الگویی تطبیقی و در مرحله بعد، مدل منتج از آن جهت جانمایی پدیده‌های جامعه معاصر ایران علی‌الخصوص معماری، مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. جامعه‌شناسی شناخت باید بتواند علت وجودی اجتماعی و تاریخی کژدیسی‌ها و انحرافها در بستر معماری معاصر ایران را به عنوان قاضی ناظر بر تشخیص اشتباه‌پذیری فکری در حوزه جامعه‌شناسی معماری از گرایش به اندیشه‌ای خاص و آرمان‌گرایی کنترل‌کرده و راهکارها و وجوهی را مشخص نماید که از طریق آنها می‌توان بر اساس انتخاب معیارهای درست اندیشه انسانی در جامعه هدایت پدیده‌های اجتماعی مانند معماری میسر گردد. در این مقاله از رویکرد تکوینی و تحلیل ساختاری با روش تحقیق تکوینی - ساختاری و ابزار گردآوری داده: مصاحبه عمیق، مشاهده و پیمایش محلی و مطالعه اسنادی و عکسبرداری و برداشتهای میدانی برای رصد رفتارهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی در طراحی و مفهوم مسکن استفاده شده است. در پایان تلاش می‌شود تا ضمن اشاره به مواد و روش‌های پژوهش؛ ابتدا به مفهوم رویکرد پژوهش، روش‌شناسی و شناخت محدوده عملیاتی روش، پرداخته شود و سپس میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری فرهنگ بر معماری و بالعکس در روبه‌ای خاص در مسکن بومی مناطقی از نمونه مورد پیمایش شده و نتایج تحلیلی آن مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، تحولات فرهنگی و اجتماعی، رویکرد تکوینی و تحلیل ساختاری.

مقدمه

به دنبال تغییر در شرایط زندگی انسانی و گسترش بی وقفه ابعاد کمی شهرها از یکسو و از سوی دیگر، تغییر و گسترش در زمینه ها و تعاریف تعیین کننده اجتماع و جامعه مانند توسعه که در جهان امروز دچار نسبیت و شک گرایی شده است، بحران و کژدیسی در شناخت پدیده های اجتماعی از روابط انسانی تا محصولات جامعه مانند معماری که معلول همین تغییرها می باشد، در بسیاری جوامع به خصوص جامعه معاصر ایران به چشم می خورد. مردم جامعه مخاطبان اصلی معماری هستند و معماری نیز محصول مستقیم جامعه و روابط انسانی است. این بحران در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می باشد. مساله بحران معماری هم زمینه در بحران جامعه و اقتصاد دارد؛ ولی بحران معماری به صورتی ناآگاهانه در میان مردم وجود دارد. مهمترین نشانه اثبات کننده این وضعیت گم شدن نظام هنجارها و ارزشهای فرهنگی اجتماعی است. این حالت باعث می شود که مردم در مراجعه به معمار نمی دانند چه می خواهند. در چنین شرایطی همه چیز امکان پذیر می شود. به نظر می رسد که یک کارشناس معماری باید با مطالعه دقیق شرایط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و تکنیکی بهترین گزینه ها را برای مخاطب بیابد. ولی بدون بسترسازی درست در تمام جوانب مربوطه به خصوص زمینه های اجتماعی معماری و عدم وجود مدل یا مدل های فکری منطبق و منعطف با شرایط جامعه در پدیده ای مانند معماری، معماری طراحی شده و یا ساخته شده نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه شرایط را پیچیده تر می کند و حالتی ایجاد می کند که می توان آنرا بحران مضاعف یا معماری بحران ساز نام برد. واضح است که ریشه بحران معاصر در نقص و نارسایی در شناخت شناسی مکاتب و زمینه های اجتماعی آنهاست. بسیاری از نظریه پردازان معاصر از محدودیت موجود در شناخت شناسی جوامع معاصر گلایه دارند لذا مبنای خود

را در هنر و معماری به بحث شناخت شناسی می گذارند. این مساله ضرورت مطالعه ویژه در حوزه جامعه شناسی و هنجارهای حاکم بر روابط جامعه و معماری را مضاعف می کند. با توجه به شرایط عینی جامعه امروز لزوم بستر سازی اجتماعی معماری براساس مدل شناختی خاص که منعطف و منطبق با شرایط جامعه امروز ما باشد، با تبیین شناخت شناسی جامعه، علاوه بر تحلیل زمینه های اجتماعی معماری معاصر ایران، به صورت تشکیکی-یقینی به ارائه ایده ها و پیشنهادهایی جهت رفع تناقض های میان جامعه شناسی معماری معاصر ایران و نگاه تکثرگرا و خلق الساعه در جهان و همچنین ایجاد خلاقیت درونی و ذاتی پدیده های اجتماعی بخصوص معماری در این مقال بیانجامد. در این مقاله تلاش می شود تا ضمن اشاره به مواد و روش های پژوهش؛ ابتدا به مفهوم رویکرد پژوهش، روش شناسی و شناخت محدوده عملیاتی روش، پرداخته شود و سپس میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری فرهنگ بر معماری و بالعکس در روبه ای خاص در مسکن بومی مناطقی از نمونه موردی پیمایش شده و نتایج تحلیلی آن مورد تدقیق قرار می گیرد. در ادامه به این مفاهیم و بستر قلمروی پژوهش اشاره می شود.

مواد و روشها

روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:

۱- **روش تکوینی:** روش این پژوهش نیز با توجه به رویکرد نظری آن، «روش تکوینی» است. برای توضیح روش می بایست ابتدا مفاهیم به کار رفته در آن شرح داده شود. در روش تکوینی، پژوهشگر دربند تعاریف مفاهیم در نخستین گام نیست، بلکه می کوشد «قانون درونی را جستجو کند که بنابر آن قانون، کل، تکوین می یابد؛ یا لاقل می توان تصور کرد که کل را می آفریند» (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹)؛ بنابراین، این روش «بودن» یک پدیده را مدنظر قرار نمی دهد بلکه در مسیر «شدن»، تغییرات گذشته آن را بفهمد. این روش ناظر بر همان رویکرد نظری است

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۷۸

که حکم تکوینی را بر واقعیت تعریف شده اولویت می دهد و واقعیت اجتماعی برای آن یک پدیده بیرونی نیست که بتوان با تعریف منطقی، آن را در دایره عقل آورد و به کمک ذهن آن را شناخت بلکه واقعیت اجتماعی، هستی پویایی است که انسان نیز جزئی از آن است و در فرایندی تکوینی و از خلال حکمها و قوانینی که بر اثر توافق اجتماعی حاکمیت می یابند، شکل می گیرد و تکامل می یابد. درست بر عکس رویکرد مدرسی فلسفه تاریخ که در آن «هستی از همان آغاز به گونه اندیشه پنداشته می شود و به صورت مفهوم در می آید و با مشتق شدن از اندیشه محمول آن واقع می شود» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷).

۲- روش تحلیل ساختاری: مهمترین روش در این رساله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قرائگیری در سایت و روش ساخت و آداب اجتماعی مربوط به آن را نیز شامل می شود. تحلیل آثار در واقع تحلیل ساختاری زبان با استفاده از روش زبان شناسی ساختاری است. بدین ترتیب در چارچوب رویکرد پدیدارشناسی تحلیل ساختاری زبان از جنبه ریخت شناختی، توپولوژیک و گونه شناسانه انجام می شود تا بتوان به معیارهای مورد نظر تحقیق دست یافت.

تکنیک های گردآوری داده: در این رساله، مسکن ترکمنها بر اساس اسناد تاریخی، توصیفهای به جامانده، عکسها و نقشه های معماری و یک مطالعه میدانی و گشت اکتشافی در محل بررسی می شود. اولین تکنیک مشاهده مشارکتی است. پژوهشگر یا باید: یک مشارکت کننده کامل باشد، هویت و نیت های حقیقی اش را از گروه مورد بررسی پنهان نگه دارد و کاملاً مانند آنها زندگی کند؛ یا به عنوان مشاهده گر مشارکت کننده عمل کند و خود را در زندگی گروه مورد بررسی درگیر سازد؛ ولی آنها بدانند که او از اعضای گروهشان نیست؛ یا مشاهده گر مشارکت کننده ای باشد که بازدید

کوتاهی از گروه مورد بررسی می کند و مشارکت محدودی در زندگی آنها دارد، حالتی که چندان رواج ندارد. در این تحقیق از هر دو روش استفاده شده است؛ چنانچه در مورد اول از آنجا که پژوهشگر در منطقه گرگان رفت و آمد داشته و ساکن می باشد، مصداق بارز این تقسیم بندی است و با بیشینه مطلعین محلی وارد گفت و گو شده و از نحوه زندگی ترکمنها در انواع شیوه ها و سبکهای زندگی آنها اطلاعاتی را حاصل کرده است و در مورد دوم نیز با اذعان به پژوهشگر بودن و استفاده از نتایج آن در رساله دکتری، با افراد وارد مصاحبه عمیق و اخذ پرسشنامه شده است. لذا می توان تکنیکهای این زمینه را عبارت دانست از: «مصاحبه عمیق» با مطلعین و ساکنان محلی و مردم بومی از متغیرهای وابسته تحقیق؛ «مشاهده و پیمایش محلی» و بررسی شیوه های زیستی و الگوها و سبکهای سکونت ترکمنها در منطقه گمیشان؛ «مشارکت سازی مردمی» از طریق مشارکت دهی ساکنان محلی و مطلعین بومی در منابع اطلاعاتی؛ «مطالعه اسنادی» برای بررسی اسناد و مدارک مرتبط با گونه و روابط تاریخی اجتماعی تاثیرگذار بر کالبد معماری مسکن ترکمنهای محدوده مورد مطالعه؛ «عکسبرداری و برداشتهای میدانی» برای رصد رفتارهای اجتماعی ترکمنها نسبت به مسکن بومی و انواع شیوه های سکونت خود در محدوده مورد مطالعه. «مطالعه اسنادی» تکنیک مورد توجه محقق است که برای بررسی شیوه های زندگی و تاثیرات اجتماعی و تحولات سیاسی- فرهنگی و اجتماعی بر تغییرات و الگوهای سکونت ترکمنهای محدوده مورد مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است. «عکسبرداری و تصاویر برداشتی» آخرین تکنیک مورد استفاده از تحقیق و به نوعی تکنیک تکمیلی بوده است که پژوهشگر برای نشان دادن فضاها و مستندسازی گفته ها از آن استفاده کرده است.

جامعه آماری و نمونه برداری: جامعه آماری تحقیق، مسکن بومی نواحی شمالی کشور در حاشیه ساحلی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۷۹

دریای خزر می باشد که تاکید عمده آن بر قوم شناسی و مسکن ترکمنهای منطقه گرگان و بالاحص ترکمن صحرا و منطقه گمیشان بوده است. استان گلستان با بیش از ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت؛ از شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از غرب به استان مازندران و از شرق به استان خراسان محدود شده است. بخش بیشتر استان گلستان آبوهوای معتدل مدیترانه‌ای دارد ولی جلگه گرگان به لحاظ مجاورت با صحرای ترکمنستان، دوری از دریا و کاهش ارتفاعات، آب و هوای نیمه بیابانی و گرم دارد.

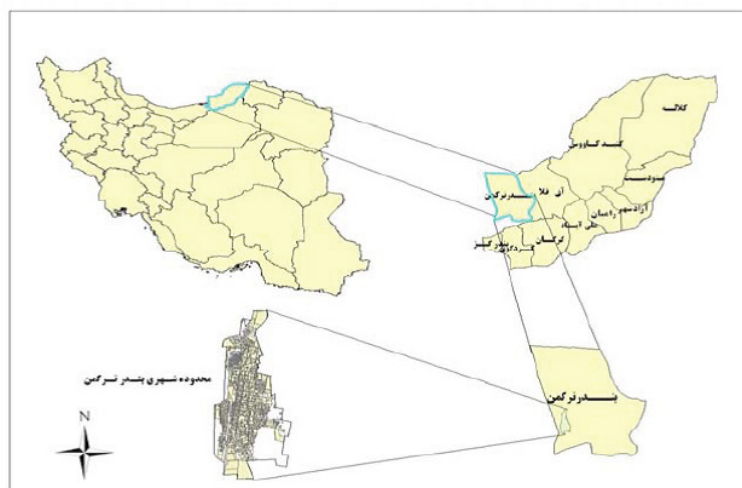
محدوده مورد مطالعه: محدوده مورد مطالعه این رساله، مساکن نواحی ساحلی دریای خزر و کرانه شرقی آن یعنی محدوده استان گلستان و بالاحص گمیشان بوده است. صحرای ترکمن، در جلگه وسیعی بین ۵۴/۵ تا ۵۶/۳ درجه طول شرقی، ۳۶ تا ۳۸ درجه عرض شمالی قرار دارد. وسعت این صحرا ۱۶۳۷۵ کیلومتر مربع می باشد. ارتفاع دشت از سطح دریا هرچه به سمت شرق رویم مرتفع تر می شود تا آنجایی که در منطقه گنبد کاووس به ۳۸ متر می رسد. حد شمال جلگه ترکمن رود اترک در مرز ایران و شوروی سابق (ترکمنستان) و حد جنوبی آن خاکریز شاه مزرعه می باشد (گلی، ۱۳۶۶، ص ۳۶). دشتی که ترکمن های ایران در آن به سر می برند

در جنوب رود اترک قرار دارند. این ناحیه که آن را دشت گرگان یا ترکمن صحرا می نامند، از سمت مغرب با دریای خزر و از جنوب شرقی با کوهپایه های شمالی البرز تا رودخانه اترک ۱۰ الی ۱۵ فرسنگ است.

بافت اجتماعی و مولفه های جامعه شناختی

واژه ترکمن: پیش از بررسی تاریخ ترکمنها نگاهی به خود واژه «ترکمن» و نحوه پیدایش آن می اندازیم. بوگلیووف نویسنده کتاب «فرش ترکمن» نظر دیگری در این مورد دارد. وی واژه ترکمن را «ترک مانند» معنی می کند (بوگلیووف، ۱۳۵۰، ص ۱۶). بارتولد می نویسد: کلمه ترکمن برای اولین بار در منابع تاریخی و جغرافیایی متعلق به اواخر قرن دهم میلادی به کار رفته است (کنعانی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸). اینکه واژه های «ترکمن» و «غوز» دو نام برای یک قوم ترک است در منابع تاریخی ترک امری پذیرفته شده است. نهایتاً در اوایل قرن سیزدهم هجری نام ترکمن جایگزین کلمه «غوز» شد (میرنیا، ۱۳۵۴، ص ۴۵).

پیشینه تاریخی- اجتماعی اقوام ترکمن: برخی محققان با توجه به واقعیات مذکور تاریخ ترکمن ها را به دو دوره تقسیم نموده اند: الف- دوره قبل از اسکان: این دوره تا اوایل دهه هشتاد قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت و به دو بخش قابل تقسیم



نقشه ۱. محل سکونت ترکمن های ایران؛ مآخذ: کمالی، ۱۳۷۴، ص ۷۹.

است: بخش اول: نیمه اساطیری- نیمه تاریخی (یا دوره اغوزها) قبل از نیمه دوم قرن دهم میلادی؛ بخش دوم: بخش تاریخی (یا دوره ترکمن ها) و از نیمه دوم قرن دهم میلادی آغاز می شود. ب- دوره اسکان: این دوره را می توان به سه دوره: آغاز اسکان، اسکان اجباری و دوره تثبیت اسکان تقسیم کرد (کنعانی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن های ایران): از آنجا که بررسی ساختار اجتماعی یک قوم خود نیاز به مباحث مفصلی دارد، لذا در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه های اجتماعی مرتبط با موضوع پرداخته می شود.

۱. «ساختار ابتدایی اقوام ترکمن» (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیابانگردی) داشته اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی اند؛ (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن چراگاه های بهتر برای دام های خود می باشند. جوامعی همچون جامعه ترکمن ها در مقاطعی دارای اقتصاد مختلط شبانی و کشاورزی بوده اند. تحرک جوامع شبانی و سکون جوامع روستایی باعث پیدایش گونه های متفاوتی از نمادها و نشانه ها می شود (کیتسی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «ساختار ایلی»: ترکمنها پدرتبار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گسترده بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند (کمالی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱). جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای اجتماعی است که از پیوستن خانوارهایی هم نسبت به وجود می آید (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰).

تحلیل و بیان یافته ها

تحلیل تکوینی و ساختاری مسکن ترکمن

ترکمنهای دامدار برای پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود و به اقتضای تحرک دائمی شان، از آلاچیقی که آن را «اوی Oy» می نامند، استفاده می کنند. «اوی» از دیرباز مسکن ترکمنها بوده است زیرا علاوه بر اینکه به بهترین وجه پاسخگوی نیازهای زندگی کوچ نشینی آنهاست در اندک مدتی نیز برپا و برچیده می گردد. «اوی» در حقیقت کوچکترین واحد اجتماعی ترکمن ها بوده است، یعنی یک خانواده ترکمن را در خود جای می داده است. هر «اوی» معمولاً در کنار چند «اوی» دیگر که متعلق به خویشاوندان آنهاست، برپا می شود و مجموعه این «اوی» های کوچکترین واحد اجتماعی- اقتصادی ترکمن ها به نام «اوبه Oba» را به وجود می آورد که با ریشه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به هم مربوطند. در روستاهای ترکمن نشین خانواده های هر تیره در کنار هم و با کمی فاصله از آلاچیق های تیره های دیگر زندگی می کنند و با نگاهی گذرا به سیمای آبادی ها، می توانیم واحدهای اجتماعی، اقتصادی را از یکدیگر تشخیص دهیم. شکل روستاهای ترکمن به واسطه نظام چادرنشینی بسیار پراکنده است. مسکن ترکمنها با نوع معیشت آنها ارتباط مستقیم دارد و نظام تولیدی آنها بر شکل و عملکرد واحدهای مسکونی شان تأثیر گذاشته است. در ساختن مساکن سنتی از مصالحی استفاده می شود که در محیط طبیعی پیرامون وجود دارند. فراونی استفاده از چوب در مسکن ترکمنها بسیار چشمگیر است. دلیل استفاده ترکمنها از چوب زیاد در ساختن خانه های سنتی به چهار عامل برمی گردد که عبارتند از:

۱. «عوامل فرهنگی»: گرچه ترکمنها دیگر در آلاچیق زندگی نمی کنند و یکجانشین شده اند، ولی ساخت جامعه ترکمن تغییر چندانی نکرده است. کاملاً آشکار است که استفاده از چوب در این آلاچیق ها بسیار فراوان است، پس به کار بردن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۸۱

چوب در ساخت مسکن یک عادت فرهنگی است و یک قسمت کوچک از ساخت جامعه ترکمن است. ۲. «تکنولوژی ناقص معماری»: در بررسی خانه های کاشان، یزد، کرمان و غیره که سابقه یکجانشینی چند هزار ساله دارند می بینیم سابقه یکجانشینی باعث افزایش تجربه مردم بومی در رابطه با معماری شده است و خانه ها با محیط طبیعی سازگاری کامل دارند. اما ترکمنها نمی توانند آنگونه خانه بسازند که یک روستایی گنابادی، یزدی، کاشانی می سازد که با استفاده از سقفهای گنبدی یا قوسی فضایی وسیع ایجاد می کند. او مجبور است با تیرهای چوبی سقف را پر کند و فاصله آنها را هم از حد معینی نمی تواند زیاده تر کند زیرا ممکن است سقف شکم آورده و بشکند که در این حالت باید با زدن ستون، بار سقف را به ستونها منتقل کند. و این یعنی کاربرد چوب بیشتر در خانه سازی.

۳. «مالکیت منطقه»: مالکیت منطقه شمال غربی خراسان متعلق به ترکمنها می باشد که آنها از منابع طبیعی این منطقه نهایت استفاده را برده اند. ۴. «وجود جنگلهای ارس»: به دلیل اقلیم و پوشش گیاهی این منطقه، اگر ترکمنها این همه چوب ارس در دسترس نداشتند برای پوشش سقفهایشان راه دیگری را انتخاب می کردند.

۵. «پلان ساختمان»: در یک روستای ترکمن نشین معمولاً به خانه هایی بر می خوریم که دارای چندین اتاق در کنار هم می باشند. این اتاقها در یک ردیف قرار داشته و هر کدام دری دارند که به سمت ایوانی سرتاسری باز می شود. این ایوان دارای سقفی است که بر روی ستونهای متعددی استقرار پیدا کرده است. معمولاً در زیر این اتاقها طبقه دیگری هم وجود دارد که به عنوان طویله یا انبار به کار می رود. ابعاد اکثر اتاقها از ۴*۵ متر تجاوز نمی کند ولی طول ایوان یا به عبارتی در ازای ردیف اتاقها بسیار متغیر بوده و به گسترده گی یک خانه یا حتی یک خاندان بستگی دارد. در بعضی موارد هر اتاقی برای خود توالتی دارد که بیرون ردیف اتاقها و در

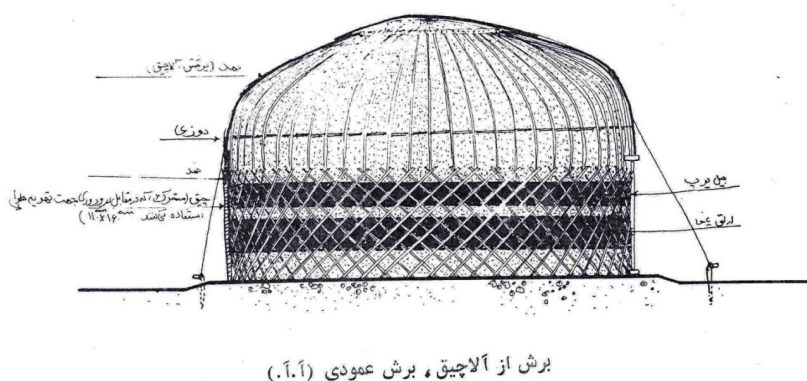
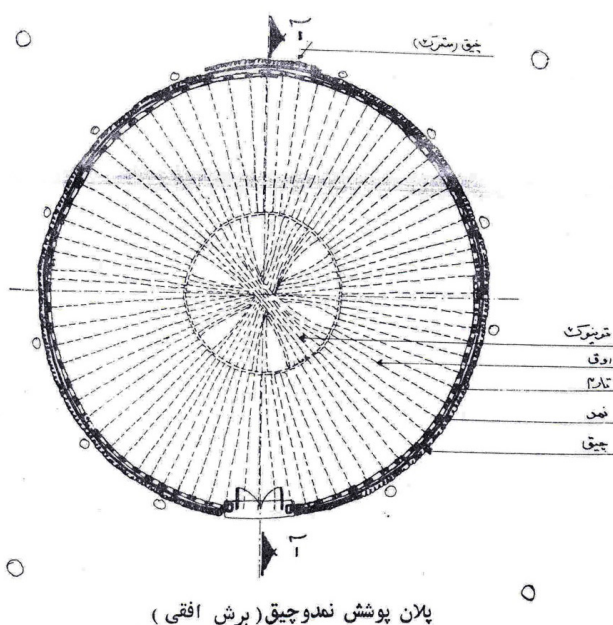
گوشه ای از محوطه ساخته می شود. علاوه بر این در میان محوطه به یک تنور برمی خوریم که از سطح زمین بلندتر ساخته شده و برای استفاده همه اتاقها مشترک است.

تحلیل ساختاری مسکن ترکمن

برپا کردن و برچیدن «اوی» یکی از فعالیت هایی است که زنان ترکمن، در قالب تقسیم کار برحسب جنس انجام آن را بر عهده دارند. برای برپا کردن «اوی» زمین باز و نسبتاً بلندی را در نظر می گیرند و گاهی برای جلوگیری از نفوذ باران و موش صحرایی زمین را به ارتفاع تقریباً ده سانتیمتر با خشت و گل بالا می آورند. ابتدا تخته پایین چهارچوب در را روی زمین می گذارند و سپس دو چوب طرفین در آلچیق «اوی» را به طریق عمودی به میان پاشنه گردهای آن قرار می دهند و تخته بالای چهارچوب در را سر جای خود نصب می کنند و محل تقاطع چهارچوب در را با طنابی محکم می بندند. سپس دو قطعه «تارم» را دایره وار به چوب های در «اوی» می بندند و بند دو قطعه «تارم» پشت «اوی» را با طناب به دو تارم پیشین مهار می کنند. در این حالت تارم ها بر روی زمین به شکل دایره با شعاع ۲ - ۲/۵ در می آید. در این هنگام از قسمت داخل اوی چوب های دو شاخه ای شکل به تارم تکیه می دهند تا «تارم» به میان کشیده نشود. برای یکپارچگی و استحکام «تارم» با دو قطعه نوار جاجیم باف (دورلق یاخا) اطراف «اوی» را از قسمت بیرون می بندند. در قسمت بالای «دورلق یاخا» نیز «بیل یوپ» که نوار کم عرض تری است بسته می شود. این نوار موجب می گردد که «اوی» در برابر بادهای شدید منطقه مقاومت نماید. پس از این کار نوبت به نصب قسمت گنبدی شکل آلچیق می رسد که کار حساس و دشواری است. چهار نفر، هر کدام دو «اوق» را از چهار طرف در هشت سوراخ «توی نوک» فرو می کنند. این سوراخ ها دوبه دو در کنار هم قرار دارند و درست رأس دو قطب عمود بر هم دایره «توی نوک» را در نظر می گیرند. سر دیگر «اوق»

ها را در دست می گیرند و با هم «توی نوک» را بلند می کنند و در چهار طرف «تارم» می ایستند. سپس طنابی از میان «توی نوک» به پایین می کشند و سر آن را به جوال پر از گندم و یا خاک وصل می کنند تا هنگام پوشاندن نمد، باد صدمه ای به «اوی» وارد نکند. ضمناً برای نگهداری «اوق ها» با «دوزی» اطراف آنها را می بندند. سپس نوبت به پوشاندن «دورلق ها» فرا می رسد. دو قطعه «دورلق» را به اطراف «تارم» می کشند که حدود نیم متر از «اوق ها» را می پوشاند. گوشه های چهار طرف هر قطعه را با «وزوک» می پوشانند و برای

اینکه نمدها به پایین کشیده نشود گوشه های آن را با طناب هایی به «اوق ها» و چوب های «تارم» می بندند. «سرپک» را نیز بر روی توی نوک می اندازند. شعاع سرپک هفتاد و پنج تا صد سانتیمتر است و بر هشت گوشه آن طنابی وصل است که تا روی زمین ادامه دارد. اطراف تارم را با سه قطعه «قامیش» می بندند به طوری که «گت قامیش» در پشت «اوی» قرار می گیرد. در ورودی «اوی» را در سمت جنوب قرار می دهند تا «اوی» علاوه بر بهره گیری از اشعه آفتاب، از بادهای شرقی و غربی و شمالی منطقه در امان باشد. در قسمت بیرونی «اوی» به فاصله های



بین یک یا دو متر چند میخ چوبی دو شاخه به زمین می کوبند و هنگام طوفان و کولاک طناب های «سرپک» را به آنها وصل می کنند که باد «اوی» را تکان ندهد و آن را جمع نکند گاهی نیز طناب کلفتی به نام «ارقن» در پشت «اوی» از دو طرف می اندازند و سر طناب را به میخ های چوبی اطراف «اوی» می بندند و چنانچه باد شدید که به «قره یل» (سیاه باد) معروف است، در جریان باشد از داخل «اوی» چوب هایی به ارتفاع دو متر در کنار «تارم» به زمین می کوبند تا باد «اوی» را در هم نریزد. برای خارج کردن دود از «اوی» طناب قسمت مقابل در ورودی «اوی» را کنار می زنند. به طور کلی «سرپک» عمل نوررسانی و تهویه را انجام می دهد.

تحلیل ساختاری خانه های چوبی گمیشان

نقشه این منازل ساده است، دارای چند پایه اند، این پایه ها از آجر یا چوبند و خانه را چند متر از سطح زمین بالا می برده اند تا چوب هایی که ساختمان را با آنها می ساخته اند با سطح زمین تماس مستقیم نداشته باشند. این پایه ها در برخی خانه ها تا ارتفاع یک متر هم می رسند. بر روی این پایه ها بنا را الوارهای به ضخامت $20 \times 20 \times 20$ cm آغاز می نمودند، جالب توجه اینجاست که الوارهای کف خانه هیچ گونه اتصال خاصی با پایه های آجری خانه ندارند. سپس با ساختن چهارچوب منزل و با اتصال نی یا چوب هایی به دو طرف الوارهای چهارچوب به صورت اریب فضایی ایجاد می نمودند تا دیوارخانه را بسازند. میان چوب هایی که به چهارچوب ساختمان وصل کرده بودند با کاهگل پر می کردند و روی نی ها یا چوب ها را دوباره با گل اندود می نمودند تا دیوار کامل شود، سپس روی گل را دوباره با گچ انود می نموده اند. سقف این ساختمان ها دو شیبه بوده و با توجه به آب و هوای این منطقه سقف ها را با آهن گالوانیزه (حلب) و به صورت زیرشیروانی می ساخته اند. این منازل، دارای یک ایوان چوبی با پلکان چوبی می

باشند. دارای دو اتاق که هریک به بیرون درهای جداگانه ای دارند؛ هر یک از این اتاق ها با در میانی که به آن «آراقاپی araqapi» می گویند به هم راه دارند. ضخامت دیوارهای خانه های چوبی را ضخامت الوار چارچوب بنا تعیین می کند؛ چراکه چوبها و یا نی هایی که دیوار را تشکیل می دهند به صورت اریب به این الوارها متصل می شوند. همانند آلاچیق ها درون این خانه ها نیز می توان کمدی را یافت که لباس ها و وسایل گوناگون را داخلش می گذارند و بر روی این کمد رختخواب ها را جای می دهند. ارتفاع این کمد که به آن «اشکاف» می گویند معمولاً یک متر است و طولش دو و نیم تا سه متر. خانه هایی که در اوایل یکجانشین شدن، ترکمن ها برای خود می سازند خانه هایبست کوچک با اتاقهای کم و غالباً در کنار آلاچیقی که ترکمن ها سال ها بدان عادت کرده بودند، به مرور زمان و با رفت و آمدهایی که شاه و درباریان به مناطق ترکمن صحرا داشته اند؛ ساخت خانه های چوبی دو طبقه و سه طبقه به خصوص در منطقه گمیشان گسترش یافت. برای هر اتاق در نمای جلو دو پنجره تعبیه شده است، در نمای شرقی نیز برای هر اتاق دو پنجره تعبیه کرده اند. در ورودی ساختمان در طبقه اول در واقع در راهروییست که طبقه اول را به دو قسمت تقسیم می کند، این راهرو در انتها نیز به در دیگری مشابه در ورودی اصلی ساختمان ختم می شود. در هر سمت این راهرو سه اتاق وجود دارد که خانواده ها هنوز در آنها زندگی می کنند. طبقه اول ساختمان از طریق پلکانی چوبی که در قسمت غربی ساختمان وجود دارد به طبقه دوم وصل می شود. این پلکان دارای نرده های چوبیست که فرم تزیینی خاصی بدان داده اند. در انتهای پلکان دری چوبی قرار دارد که معمولاً شب ها بسته می شود. طبقه دوم در این ساختمان ها دو نوع است. در نوع اول در ورودی در همان سمتی قرار می گیرد که در ورودی طبقه اول قرار داشت و طبقه را به دو ضلع شرقی و غربی تقسیم می کند. در نوع دوم درهای ورودی

یکی در سمت غرب و دیگری در سمت شرق تعبیه شده اند و راهرو، طبقه را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می کند. در خصوص معماری سنتی مناطق ترکمن، اطلاعات مکتوبی در دست نیست و پژوهش علمی جامع و مانعی در این خصوص توسط متخصصین امر صورت نگرفته است، چنانچه تنها اشاراتی مختصر در برخی کتب مربوط به قوم نگاری همراه با اطلاعاتی کلی در این مورد وجود دارد (لوگاشوا، ۱۳۵۹) و (شریعت زاده، ۱۳۶۶). ترکمن های ایران در سه ناحیه کوهستانی، دشتی و هموار و ساحلی زندگی می کنند که بر حسب نوع آب و هوا، گاهاً دیده می شود، ترکمن ها پس از اسکان به ساخت گونه های مختلفی از مسکن پرداخته اند. چهار گونه مسکن در این مناطق شناخته شده اند که در این تحقیق به ساخت بنای منازل چوبی ساحلی (Tām) در گمیشان اشاره می شود:

۱. یورت (آلاچیق ترکمنی) (Oy)؛
۲. منازل چوبی ساحلی (Tām)؛
۳. منازل چوبی و آجری؛
۴. منازل گلی و سنگی مورد استفاده در مناطق کوهستانی.

الف- شیوه های استقرار آلاچیق های ترکمنی (مسکن پیشینی)، تام های ترکمنی (مسکن میانی) و مساکن جدید (مسکن پسینی): مسکن ترکمنها را جدای از تقسیم بندی به واسطه مولفه های اقلیمی و یا موارد مشابه، در حوزه تاثیرات بافت اجتماعی و مولفه های فرهنگی می توان به دوره های سه گانه مسکن سنتی، مسکن میانی و مسکن جدید (مدرن و رایج) تقسیم بندی کرد. در این رابطه باید اشاره داشت که ترکمنها پدربار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گسترده بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند. در ضمن جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد، روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای

اجتماعی است که از پیوستن خانوارهایی هم نسبت به وجود می آید؛ بنابراین تبار و خویشاوندی یکی از عوامل مهم این نظام است و تقسیم اجتماعی کار در نزد ایشان نیز در قالب همین سازمان خانوادگی شکل یافته است. بنابراین شیوه سکونت با مرکزیت بزرگ طایفه و پدرسالاری در شیوه استقرار اوی های ترکمن ها مشهود است. لکن در مساکن جدید، نظام استقرار هیچ ارتباطی با بافت اجتماعی و مولفه های فرهنگی ترکمنها ندارد.

ب- الگوهای گسترش فضایی مکان گزینی آلاچیق های ترکمنی (مسکن پیشینی)، تام های ترکمنی (مسکن میانی) و مساکن جدید (مسکن پسینی): در رابطه با الگوهای گسترش مکان گزینی تامهای ترکمن، می توان به سه الگوی جدای از هم در تقریباً تمامی مناطق اشاره داشت:

۱- «الگوی گسترش پراکنده»: این الگوی گسترش بیشتر در تام ها و قرناوه ها دیده می شود. همچنین تنها در آلاچیق ها زمانی که محدوده یک طایفه با طایفه دیگر، خانواده یک عشیره در صورت فوت پدر خانواده و یا برخی از منازعات درون قبیله ای و اختلافات خانوادگی از هم جدا شده و یا روی می دهد، مبنای پراکنش فضایی مکان قرارگیری پراکنده به بنظر می رسد. واضح است که دلیل آن را باید از بین رفتن همان بافتار اجتماعی (نوع روابط و همبستگی درونی و طایفه ای) متصور شد.

۲- «الگوی گسترش مرکزی»: در نمونه های قدیمی آلاچیق های ترکمنی بنا به مصاحبه صورت گرفته با پیران و سالخوردگان محلی، نحوه گسترش به صورت مرکزی و حول پدر خانواده و یا بزرگ عشیره و قبیله بوده است. دلیل این امر نوع روابط حاکم بین افراد قبیله و عشیره، ساختار اجتماعی آنها که پدرسالاری و عشیره محوری بوده است و احترام گذاشتن به سالمندان و قوانین اجتماعی عشیره و قبیله بوده است. لذا مرکزیت در اوی ها و محصوریت در تام ها بیشتر به عنوان یک الگوی رایج دیده می شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۸۵

۳- «الگوی گسترش نواری و تجمعی»: در برخی از مناطق و بالاخص در مسکن دوره های میانی و تام های ترکمنی الگوی گسترش کالبدی مسکن، از توسعه نواری استفاده شده است. مبنای این گسترش بصورت خطی حول یک محور مستقیم و گهگاه یک کمربندی می باشد. در بیشتر مواقع نیز نظم فاحش در این چیدمان فضایی دیده نمی شود. در هر حال، الگوهای دوره های میانی بیشتر با این مضمون درگیر بوده و دوران جدید بطور تقریبی شبیه دیگر مناطق ایران، و دوران ساخت و ساز مدرن بصورت مجتمع های مسکونی جدید، الگوها و ضوابط حاکم بر شهرداری، و بر اساس مجوزهای صادره از این نهاد و در دیگر موارد، دیگر ساختارهای نظارتی معماری در انطباق و شباهت با دیگر مناطق ایران می باشد.

پ- ارتباط و همبستگی با طبیعت پیرامونی
آلچیق های ترکمنی (مسکن پیشینی)، تام های ترکمنی (مسکن میانی) و مساکن جدید (مسکن پسینی)

اقوام ترکمن در زندگی کوچ نشینی خود دارای آداب و رسوم و نوع زندگی خاصی بوده اند که با یکجانشینی این آداب و رسوم را به خانه ها و محیط روستایی یا شهری خویش منتقل کردند. اصیل ترین منزلگاه ترکمنها، آلچیق شان می باشد که در دوره دامداری و کوچ نشینی مأمون و پناهگاه ایشان شمرده می شد. لذا برای اقوام ترکمن، طبیعت اولین مادر و در واقع اولین خانه به حساب می آمده است؛ چنانچه تا مدتهای مدید مفهوم طبیعت و محیط پیرامون صحرا، خانه و محل سکونت اصلی تصور می شده است. ترکمنها اعتقادی راسخ به همنشینی با طبیعت اطراف داشته که به گونه ای همبستگی اعتقادی بدل شده است و بعد از نهادینه شدن در باور آنها به مدت های مدید نوع و شیوه های زیستی آنها را در «زندگی مسالمت آمیز با طبیعت» رقم زده است. حتی در جابجایی از یک محل به محل دیگر، که بواسطه نوع شغل دامداری آنها بوده است

نیز این ارتباط و همبستگی با طبیعت دیده می شود. گویا برای هر طایفه یک عشیره، قبیله و یا حتی یک ابه، این ارتباط و همزیستی با زیست بوم اصلی ترین نیاز از لحاظ باورهای اجتماعی و فرهنگی بوده و در سطوح تصورات آنها، به توقعاتی رسیده که در پاسخگویی به مقوله اسکان، خود را در معماری مسکن آنها به عنوان یک شیوه و الگوی مسکن بومی نشان داده است.

ت- «نحوه شکلگیری دیاگرام عملکردی مسکن و فعالیتهای اقتصادی و معیشتی»: مسکن ترکمنها با نوع معیشت آنها ارتباط مستقیم دارد و نظام تولیدی آنها بر شکل و عملکرد واحدهای مسکونی شان تأثیر گذاشته است. مسکن نه تنها محل آسایش افراد است، بلکه محل نگهداری دام، انبار آذوقه، محل تهیه مواد لبنی و غذایی، انبار گندم و جو و جایی برای تولید صنایع دستی (نمدمالی، حصیربافی، قالی بافی، سوزن دوزی و...) نیز می باشد. به خاطر این عملکردها واحد مسکونی ترکمن های دامدار یعنی «اوی» دارای ویژگی های بسیاری است که بطور مثال: قابلیت برپایی و جمع کردن آنها، و سهولت ساخت و حمل و نقل پذیری، و موارد مشابه نشان از همین ارتباط دارد. در تامهای ترکمن نیز محدوده ای که مثلاً انبار یا محل نگهداری دام ها یا محل پخت نان و مشابه آن است یک حوزه فعالیت است که باعث شکلگیری یک ریزفضای عملکردی در قالب یک نمودار عملکردی (حبابی، عمودی و افقی) می شود که کاملاً در نحو فضایی تام های ترکمنی مشهود است. ولی در دوران جدید هیچ ارتباطی با شیوه های اقتصادی و معیشتی دیده نمی شود و متأسفانه مسکن جدید مطابق مناطق دیگر بصورت رایج بوده و حتی در نسل جدید توجه بیشتر و ویژه ای به عناصر مدرن مسکن (آشپزخانه آپن، اتاقهای مستر، شیشه های یکپارچه و از بین رفتن حریمیت فضایی) دیده می شود.

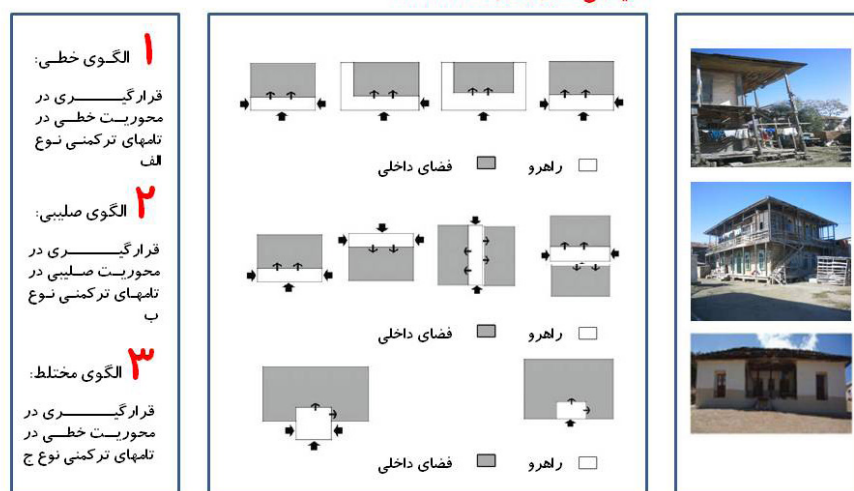
ث- «عناصر فضایی مسکن»: ساخت آلچیق ها، مراسم همراه آنها، تزئینات داخلی آلچیق ها،

نوع خاص زندگی ترکمن ها را نشان می دهد؛ با یکجانشین شدن و آغاز کارخانه سازی ترکمن ها، باز می توان نشانه هایی از آلاچیق ترکمنی را در خانه های روستایی نیز یافت؛ فضای بدون دیوار اولین خانه های ساخته شده در ساحل دریای خزر، در منطقه گمیشان، خواجه نفس و بندر ترکمن، منازلی با اتاق های محدود و فضاهای باز و بدون تقسیم بندی برای حریم خصوصی افراد، آویزه های روی دیوارها که در آلاچیق ها مورد استفاده قرار می گرفت، کمدهایی که روی آنها رخت خواب می گذاشته اند، همه در منازلی که اکنون ترکمن ها سکونت دارند کمابیش به چشم می خورند. در تام های ترکمن الگوی سازمان فضایی و عناصر فضایی آنها متفاوت است. مهمترین ویژگی سازمان فضایی آنها حضور همزمان سه گونه فضایی باز (حیاط)، نیمه باز (ایوان و تالار) و بسته (اتاق ها) می باشد. هر یک از این فضاها بر حسب نوع معیشت حاکم و روابط اجتماعی و نزدیک ساکنین با همسایگان و اقوام، فضاهایی پر کاربرد و همیشه سرزنده بوده اند. در هر حال می توان به تفصیل گفت:

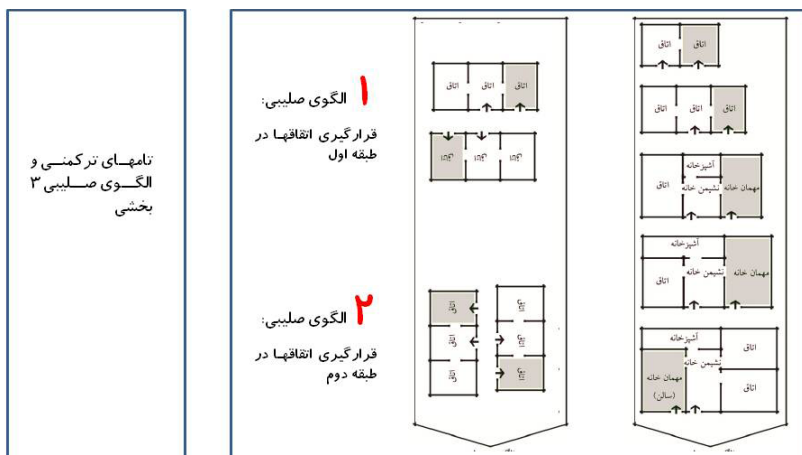
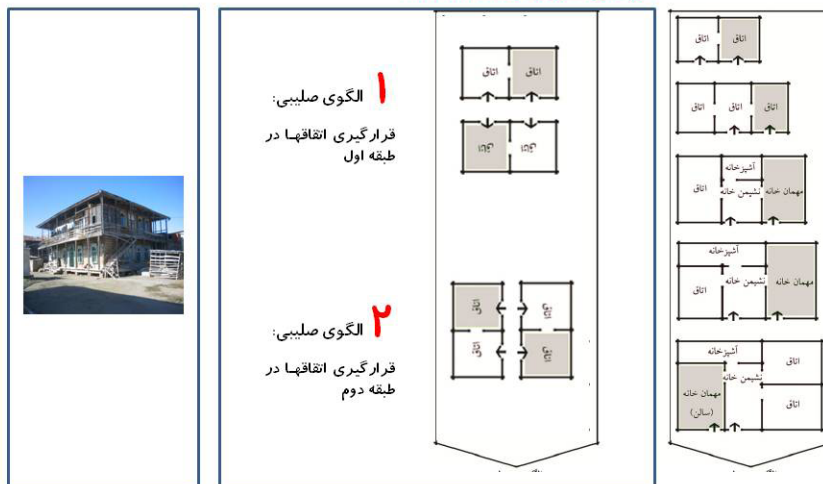
۱- «فضای باز و نیمه باز» (حیاط و تالار): حیاط و تالار دو عنصر فضایی جدایی ناپذیر در این مناطق به حساب می آیند که به دلیل انجام فعالیتهای

روزمره زندگی (دامپروری، آشپزی و پخت و پز نان و اصطبل و نگهداری احشام) از پویایی خوبی برخوردار هستند؛ چنانچه مساکن سنتی این مناطق بر روی پایه هایی ساخته می شوند، در برخی از طرح ها این پایه ها به قدری بلند انتخاب می شوند که در زیر بنا فضایی خالی باقی می ماند. از این فضا گاه به عنوان محل نگهداری حیوانات استفاده می شود و در برخی موارد به عنوان انبار یا کارگاه قالببافی برای زنان مورد استفاده دارد. اما غالباً محل نگهداری حیوانات و کارگاه ها یا انبار علوفه جدا از بنا ساخته می شوند. در کنار برخی ساختمان ها مکانی به نام تالار (Telar) وجود دارد که به عنوان محل آسایش تابستانی مورد استفاده قرار می گرفته است و دارای پایه های بلندی از چوب است که در زیر آن محلی برای نگهداری دام ها در نظر گرفته می شده است. ۲- «فضاهای بسته»: فضاهای داخلی از یک یا چند اتاق، آشپزخانه و سرویس بهداشتی تشکیل می شده اند. این فضاهای بسته چند عملکردی هستند که تمام فعالیتهای یک خانوار از قبیل غذا خوردن، خوابیدن، دور هم نشینی و معاشرت خانوادگی در آنها انجام می شده است. وجود تاقچه های کوچک برای اشیاء و عناصر تزئینی و لوازم کاربردی و دکوری، گنجه های بزرگ در دیوار برای لباس

تحلیل ساختاری تامهای ترکمنی: مآخذ: برداشت میدانی نگارنده رساله، ۱۳۹۲



تحلیل ساختاری تاههای ترکمنی: مآخذ: برداشت میدانی نگارنده رساله، ۱۳۹۲



مدیریت شهری

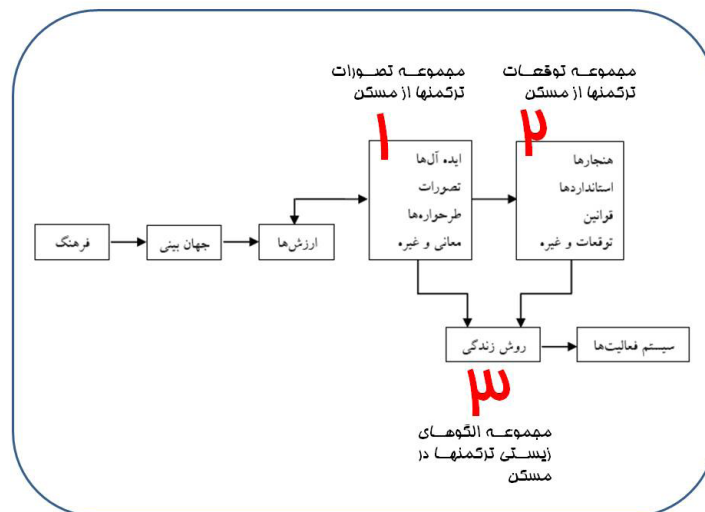
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۸۸

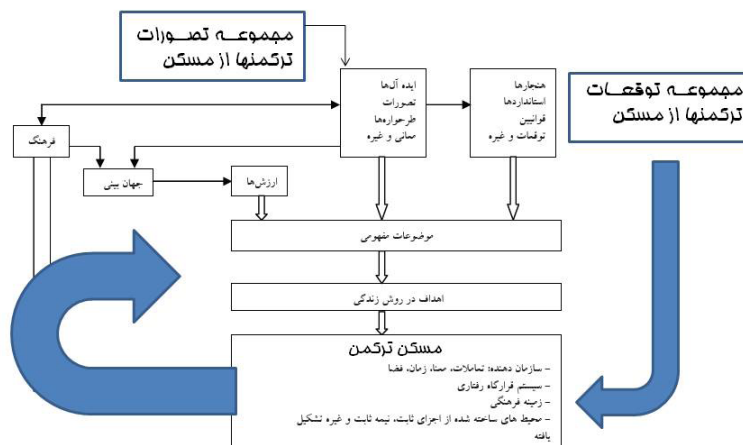
است، به طبقه دوم وصل می شود. این پلکان دارای نرده هایی چوبی است که فرم تزئینی خاصی بدان داده اند. در انتهای پلکان دربی چوبی قرار دارد که معمولاً شبها بسته می شود.

ج- «سازمان فضایی مسکن ترکمن»: در تاههای ترکمن سه گونه سازمان فضایی دیده می شود که بر شیوه فعالیت های درونی خانه تاثیر گذاشته است. گونه اول، الگوی خطی است که حول یک راهرو مرکزی چیدمان فضایی اتاقها واقع شده است و مبنای گسترش فضا، همین مرکزیت محوری بوده است. گونه دوم، الگوی صلیبی است که که مبنای آن مفصل ارتباطی راهرو در طبقه اول بصورت شرقی- غربی و در طبقه دوم بصورت شمالی- جنوبی است.

یا رخت خواب، پستی ها و تشکچه های متعدد برای نشستن در اتاقها از دیگر نکاتی است که در طرح این فضاهای بسته دیده می شود. در تاههای ترکمنی برای هر اتاق طبقه اول در نمای روبرو، دو پنجره تعبیه می شده است که در نمای شرقی نیز برای هر اتاق دو پنجره تعبیه شده است. درب ورودی ساختمان در طبقه اول در واقع در راهروی است که طبقه اول را به دو قسمت تقسیم می کند. این راهرو در انتها نیز به درب دیگری مشابه درب ورودی اصلی ساختمان ختم می شود. در هر سمت این راهرو سه اتاق وجود دارد که خانواده ها هنوز در آنها زندگی می کنند. طبقه اول ساختمان از طریق پلکانی چوبی که اغلب در قسمت غربی ساختمان قرار می گرفته



نمودار ۱. تاثیرات و تاثرات فرهنگی بر مسکن بومی ترکمن؛ ماخذ: یافته های پژوهش.



نمودار ۲. روشن زندگی و الگوهای زیستی و تاثیر آن بر ماهیت مسکن ترکمنها؛ ماخذ: نگارنده.

همچنین پلکان در منتهی الیه جنوب شرقی و گاهاً شمال غربی می باشد. گونه سوم، نوع مختلط در خانه های گلی نواحی قرناوه است که شرح تفصیلی سازمان فضایی آن در نمودار تحلیلی مجاور شرح داده شده است.

نتیجه گیری و جمع بندی

فرهنگ ساخت و چگونگی اجرای بنای تمام ترکمنی، طی سال ها اسکان این قوم به صورت سنت در میان آنها باقی مانده است و با اقلیم و کارکردهای معیشتی این نواحی همساز و همگون شده است و حتی می توان گفت، طرح این نوع ساختمان

ها به نوعی در ساختمان هایی که امروزه در این مناطق ساخته می شوند، تأثیر گذارده است. اگر چه امروزه بسیاری از فعالیت های اقتصادی و نوع فرهنگ سنتی در میان ترکمن ها در حال کمرنگ شدن می باشند، اما برخی از عناصر فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ساختمان سازی این قوم را می توان نمونه ای بدیل از هنر ساخت مسکن بومی این خطه از سرزمین ایران بشمار آورد. از سویی دیگر ساخت سکونت گاه های سنتی ترکمن ها پس از یکجانشین شدن را می توان متأثر از فرهنگی دانست که در طی قرن ها در انطباق با اقلیم و جغرافیای

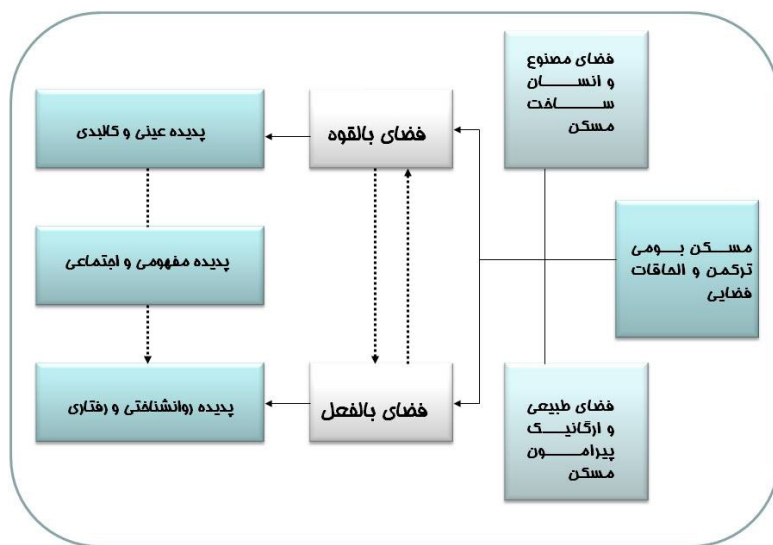
بومی و محلی حاصل شده است در عین حالی که مجاورت این اقوام با همسایه شمالی ایران، شوروی را نیز نمی توان در ساخت این نوع سکونت گاه ها بی تأثیر دانست. در دوران مدرن نیز تفاوت فاحشی در شیوه های زیستی و سکونتی اقوام ترکمن دیده می شود که در مقایسه با دوران سنتی قابل قیاس نیست. تغییرات در همگنی اجتماعی، تجانس و عدم تجانس های فرهنگی، مظاهر و نمودهای اخلاقی، الگوهای معاشرتی و حلقه های اجتماعی و حتی میزان اجتماع پذیری و آداب و رسوم زندگی نیز نشان از این تحولات دوران مدرن و پسامدرن دارد؛ چنانچه مطابق با همه جای دنیا و مناطق ایران در حال حاضر، شناخت تأثیرات مدرنیته و فرایندهایش بر الگوهای سکونت و فرهنگ خانه در تمام جوامع بخصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است؛ زیرا در نتیجه تحولات مدرن و گسترده فرایندهای ارتباطی بین ملت ها و ادغام و اشاعه فرهنگ ها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی مشاهده و مطالعه می کردند. همچنین می توان اشاره کرد که در زمینه تأثیرات فرهنگی بر کالبد مسکن بومی ترکمنها باید اذعان داشت که فرهنگ به شکلگیری و ترسیم مفاهیم جهان بینی و نگاه انتولوژیک از هستی و محیط منجر می شود و سپس مجموعه ای از ارزشها را در ۲ بخش عمده شکل می دهد. این دو بخش عبارتند از:

۱. مجموعه ای از «تصورات ترکمنها از مسکن» مشتمل بر ایده آلهای، تصورات، طرحواره ها، معانی و مشابه آن؛
 ۲. مجموعه ای از «توقعات ترکمنها از مسکن» مشتمل بر هنجارها، استانداردها، قوانین و توقعات و مشابه آن.
- به واقع باید گفت که فرهنگ بطور عام باعث شکلگیری نحوه نگرش به محیط و عالم هستی و زندگی می شود. این نگاه به زندگی و جهان

شکلدهنده مجموعه ای از ارزشهایی است که در ایده آلهای و تصورات آنها بروز می یابد و باعث ایجاد مجموعه ای از توقعات از مسکن مطلوب می شود که باید در استانداردها و قوانین طراحی و ساخت بروز یابد. در انتها همه این موارد سبک زندگی و الگوهای زیستی ترکمنها را رقم می زند.

در رابطه با نحوه احراز هویت در معماری مسکن و چگونگی پیوستاری فرهنگ و شناخت شناسی اجتماعی و معماری می توان به اهم موارد زیر اشاره داشت:

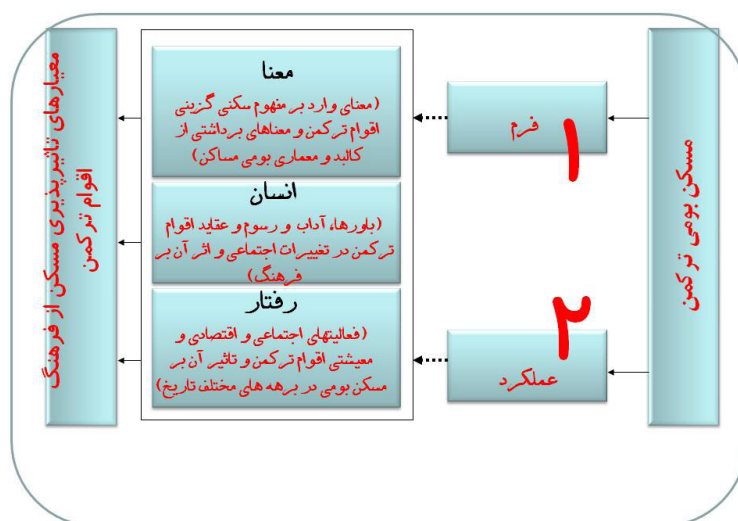
۱. «پدیده های شناختی منتج از مطالعات فرهنگی اجتماعی مسکن ترکمن»: چنانچه در نمودار زیر مشاهده می شود، فضای زیستی مسکن ترکمن بر دو گونه فضای طبیعی و فضای مصنوع (انسان ساخت) تقسیم بندی می شود که بنا به ماهیت بالفعلی و بالقوگی، حدود و ثغور متفاوتی را دربر می گیرند. برخورداری از فضاهای ارگانیک و طبیعی و چشم اندازهای کیهانی و رمانتیک موجود در منطقه (به قول تقسیم بندی نوربری شولتز)، امکان ارتباط معنایی کارآمد با محیط را فراهم می کند که ریشه در طبیعت گردی و فرآیندهای سبک زندگی ترکمنها در نوع و شیوه های زندگی دامداری و کوچ نشینی دارد که امروزه خود را در طراحی مسکن جدید مناطق ترکمن نشین شمال ایران و بالخصوص ترکمن صحرا و گمیشان نشان می دهد. نکته قابل تامل بار روانشناختی و رفتاری ترکمنها در استفاده از این گونه های مساکن بومی است؛ مثلاً به عنوان اشاره می توان گفت که ترکمنهای اصیل هنوز با وجود ساخت تامهای ترکمنی، در آلاچیق (اوی) های خود زندگی می کنند و بنای جدید مسکن تنها بوسیله نسلهای جدیدتر و یا به عنوان مکان مهمان در نظر گرفته شده است. همچنین باید گفت که مسکن بومی ترکمنها بیشترین برگردان معنایی را در پدیده های مفهومی و اجتماعی دارد که بر اساس مشاهدات میدانی از محیط مربوطه قابل درک بوده است.



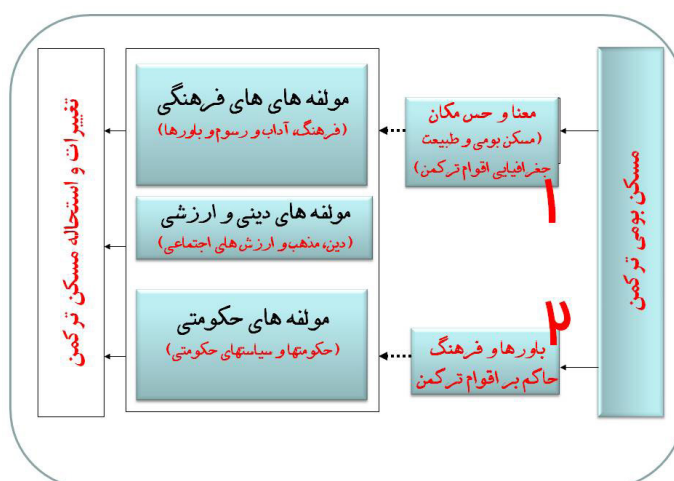
نمودار ۳. انواع فضا (مسکن بومی ترکمن) و پدیدارهای حاصل آن در حوزه مطالعات فرهنگی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

بعد از این تغییرات رواج یافته است نشان داده است. ۴. «ارتباط هویت (فضامندی)، معنا و کالبد در مسکن ترکمن»: یکی از نکات قابل تامل در این رابطه نحوه ارتباط همزمان کالبد مسکن ترکمن با معنای برخاسته از آن در نزد اقوام ترکمن و احراز مفهوم ماهوی و هویتی است که در طول زمان در متن مکان (مسکن) این اقوام شکل گرفته است. ۵. «فرآیند حس مکان در مسکن بومی ترکمن و مولفه های فرهنگی- اجتماعی»: همانطور که در نمودار زیر دیده می شود، برانگیزش های عاطفی و درونی نسبت به قومیت و فرهنگ ترکمنها به بروز فعالیتهای معیشتی و آداب و رسوم زیست جمعی خاصی منتج می شود که تاثیرات خود را به صورت کدهای اطلاعاتی در دریافت و پردازش اطلاعات هویتی و ماهوی و نحوه استنباط و ادراک محیط نمایان می سازد و در نهایت تاثیرات خود را بر مسکن و یا در استحاله و تغییرات مسکن ترکمنها در طول تاریخ نمایانگر می سازد. ۶. «کاراکترهای مسکن ترکمن منتج از تغییرات فرهنگی- اجتماعی»: این دسته کاراکترها لزوماً ماهیت شناسا ندارند، در عین حال اکیداً و صرفاً اکیداً نباید آنها را معنایی- محتوایی دانست؛ قس علیهذا

۲. «معیارها و مولفه های تاثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن»: در این باب باید به دو مولفه فرم و عملکرد اشاره کرد که در: ۱. معنا (معنا سکنی گزینی اقوام ترکمن و معیارهای کالبدی و معماری مسکن بومی)، ۲. انسان (باورها، رسوم و عقاید و تغییرات اجتماعی و فرهنگی در بره های تاریخی)، ۳. رفتار (فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و معیشتی اقوام ترکمن و تغییرات آنها در طول تاریخ و نحوه تاثیرگذاری این فعالیتها یا تغییرات آنها بر کالبد معماری و مسکن ترکمنها) بروز یافته است. ۳. «مولفه های تغییرپذیری مسکن ترکمن در تاریخ»: چنانچه در مطالب قبلی اشاره شد، مولفه های دینی و ارزشی و حکومتی و فرهنگی- اجتماعی در تغییرات مسکن ترکمنها تاثیراتی شایان داشته است. یعنی باید گفت نوع باورها و عقاید ترکمنها در تاریخ و نوع و شیوه زندگی آنها از کوچ نشینی تا یکجانشینی اجباری، نوع سیاستهای حکومتی مربوط با تخته قاپو کردن عشایر در دوره شاهنشاهی، و حتی نوع معیشت و شرایط زیستی آن در ماقبل زندگی روستایی به دوره های شهرنشینی، همه و همه، مثالهای بارزی از تغییرات ویژه ای هستند که اثرات خود را در شیوه سکونتی بعدی و مسکنی که



نمودار ۵. معیارها و مولفه‌های تأثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن؛
ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

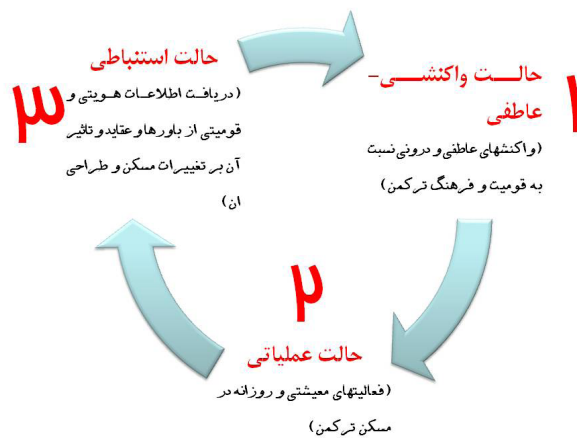


نمودار ۶. مولفه‌های تأثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن؛ ماخذ:
ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

را شکل داده است. در نهایت مولفه‌های عام زیبایی شناختی و مطلوبیت‌های فرهنگی این اقوام سومین کاراکترهای مسکن ترکمنها را شکل داده است که در نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.

۷. «ابعاد شناختی تعامل فرهنگ و معماری مسکن ترکمن»: باید گفت که فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی و نوع سبک زندگی ترکمنها مهمترین تأثیر را بر چرایی و چگونگی مسکن ترکمنها داشته است؛ چنانچه زندگی اقوام ترکمن در مسکنهای

در انواع طبیعی، معنایی و انسانی بروز می‌کنند. طبیعت به عنوان اولین مسکن ترکمنها کاراکتر ارزشی عمده‌ای در گونه‌های زندگی ترکمنی بشمار می‌رود. مواریت و ماترک فرهنگی اقوام ترکمن در طول تاریخ بالاخص با توجه به اقلیت پنداشته شدن آنها در سرزمین ایران و میل شدید آنها برای پایدار نگه داشتن باورها و آداب و رسوم و هنجارهای سنت گذشته از سویی دیگر، شکلواره دومین کاراکترهای مربوط به فرهنگ اجتماعی زیست جمعی ترکمنها



نمودار ۸. حس مکان در مسکن بومی ترکمن و مولفه های فرهنگی - اجتماعی؛ مآخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

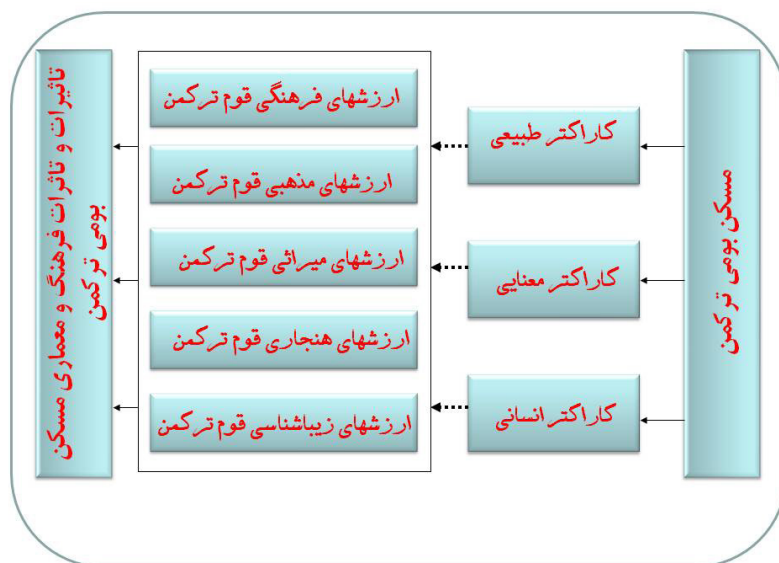
بومی خود دلیل اول چرایی شکلگیری مسکن بومی ترکمن می باشد که یافته های پژوهش حاضر نیز بر آن صحه گذاشته است. در مرتبه دوم فرم و کالبد معماری مسکن ترکمنها در مولفه های مقیاس، ابعاد و تناسب و انعطاف پذیری ارتباط نزدیکی به فرهنگ رایج اقوام ترکمن داشته است؛ چنانچه فرم و شکل آلاچیقها، تناسبات و ابعاد آنها و انعطاف پذیری آنها در ساخت و جمع آوری سریع نیز بر این نکته و نوع سبک و الگوهای سکونتی و شیوه های زندگی ترکمنها اشاره داشته است. در مرحله سوم، تصورات و خاطرات، خوانایی، ادراک و تجربه حسی نیز در حوزه مولفه های شناختی فرهنگی مسکن ترکمنی از اهمیتی فزاینده برخوردار بوده است.

۸. «ابعاد نیازها و شکلگیری مسکن بومی ترکمن»: در رابطه با انواع نیازها در رابطه با مسکن باید بطور عام به هرم آبراهام مازلو اشاره کرد. سطوح مختلف نیازها در هرم مازلو از یک طرف و نتایج منتج از مصاحبه های عمیق با ساکنان منطقه به ابعاد نیازهایی مختلفی در رابطه با شکلهای به مسکن بر اساس نیازهای ساکنان محلی اشاره دارد که در نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است. در پایان باید گفت که مقوله فرهنگ مقوله ای پیچیده و در عین حال غامض است که درک آن

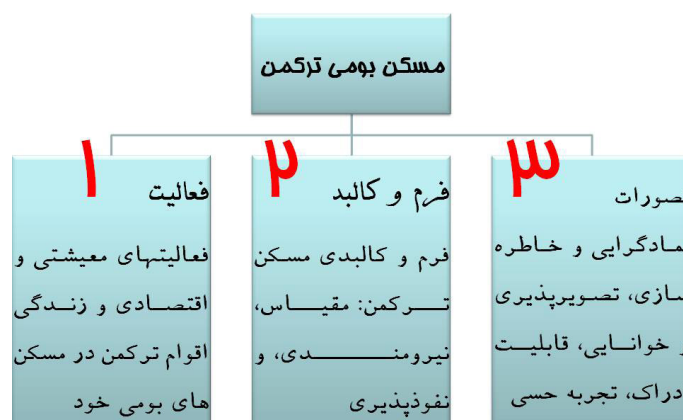
بدون شناخت مولفه ها و متغیرهای مرتبط با آن قدری مشکل و تاحدودی ناممکن بنظر می رسد. در این پژوهش و در انتها برای ارتباط و تعامل سازنده فرهنگ و معماری و رسیدن به جایگاه ارزنده برای مطالعات شناخت شناسانه اجتماعی در طراحی معماری به چند نکته اشاره می شود:

۱. «ضرورت شکل دهی سازماندهی اجتماعی فضا»: ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان، دچار تغییر، دگرگونی و حتی تحول است. بدین سان مشاهده ی تغییرات در فضاهای شهری و معماری، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای شهری و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود. لذا برای تحقق این تداوم نیازمندی به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می رسد.

۲. «ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری»: گفته شد که دگرگونی ها و استحاله های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی



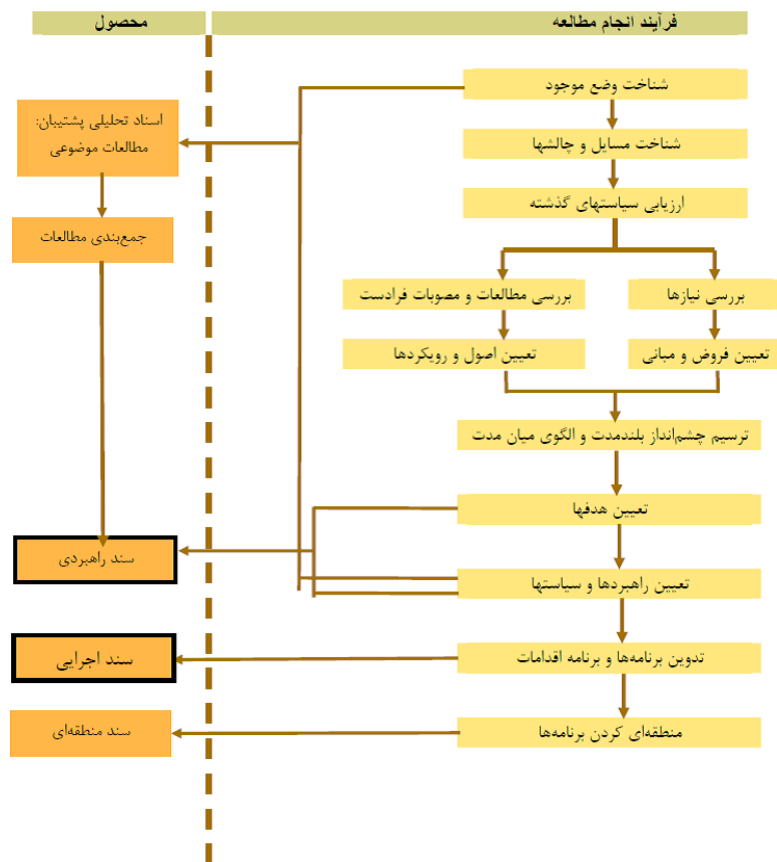
نمودار ۹. کاراکترهای مسکن بومی ترکمن و مولفه های ارزشی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.



نمودار ۱۰. فرم و کالبد، فعالیت و تصورات و مولفه های فرهنگی-اجتماعی مسکن ترکمنها؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

متولد کرده‌اند که امروزه برای زندگی مناسب در جامعه شهری ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها خواهیم بود؛ چنانچه در آرایه ضوابط برای طراحی مسکن در زمان کنونی، به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی در فضاهای شهری و معماری اقوام خاص توجه کافی مبذول گردد، مسکن بومی و شهری و معماری حاکم بر آن از کارایی مناسب بهره‌مند می‌گردد. به این ترتیب هم از هدر رفتن سرمایه جلوگیری گردد و هم رفاه نسبی شامل حال شهروندان و ذینفعان می‌شود.

۳. «ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت و اجرا»: لزوم در نظرگیری الگوهای بومی ساخت مسکن که مبتنی بر آداب و رسوم اجتماعی ساخت مسکن در مناطق مختلف کشور است، می‌توان انتظار داشت تا بیشینه انطباق مسکن و نیازهای فرهنگی-اجتماعی مردم فراهم گردد؛ لذا ضرورت تدوین ضوابط و



گسترش و یا به عبارت بهتر، استعلائی مولفه های فرهنگی-اجتماعی و مولفه های طراحی معماری باشد، از مهمترین مواردی است که انتظار می رود در پژوهشها و مطالعات فرهنگی و در حوزه معماری مورد توجه بیشتری باشد؛ چنانچه امروزه درصد اندکی از مطالعات حوزه معماری به بررسی مولفه ها و متغیرهای فرهنگی وارد بر یا دخیل در معماری مربوط می شود. برای تحقق این هدف، گونه شناسی معماری مسکن و نقد و تحلیل اجزا و عناصر واحد مسکونی به لحاظ کاربرد آنها از جنبه های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه ای است که باید مولفه های طراحی بر اساس نیازسنجی و مطلوبیت سنجی واحدهای مسکونی برای افراد ساکن باشد.

۶. «روش مندی طراحی و روشهای طراحی مسکن بر اساس مطلوبیت سنجی فرهنگی- اجتماعی از شهروندان»: لازم است هر یک از نیازها و نیز

دستورالعملهای ساخت مسکن در شهرها و روستاهای کشور امری ضروری بنظر می رسد.

۴. «شناسایی کارکرد مفهوم مسکن در قومیتها و مقوله مسکن بومی»: بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه شناسی مسکن و تحلیل ویژگی های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، ارایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکلیابی مسکن بومی باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه ای که برای آن طراحی می کنند، صورت پذیرد.

۵. «التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله طراحی و ساخت مسکن»: در نظر گرفتن نحوه تعامل سازنده معماری و فرهنگ و چگونگی ارتباط پذیری آنها با یکدیگر که باید در راستای بسط و

خواسته‌های سکونت به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته تا بهترین گزینه‌ها برای کالبد و عناصر مسکن انتخاب گردد. راهکار برای پاسخگویی به این دگرگونی‌ها می‌باید با توجه به ساختارهای اجتماعی و نیازهای فرهنگی در پهنه‌های جغرافیایی مختلف در نظر گرفته شود.

بر این اساس و طبق نتایج این پژوهش، می‌توان تدوین «طرح جامع مطالعات فرهنگی مسکن» را به عنوان یک سند فرادستی در دستورکار قرار داد که ارگانها و سازمانهای متولی بالاخص وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان متولی اصلی، لازم است تا نسبت به انطباق بیشتر مسکن با زیست بوم و فرهنگ بومی در مناطق کشور ایران التفات بیشتری را مبذول دارد. لذا، این طرح باید شامل اسناد زیر در سطوح زمانی مختلف فرض شود:

۱. «سند تحلیلی»: شامل جمع‌بندی مطالعات بر اساس اسناد و مطالعات پشتیبان؛

۲. «سند راهبردی»: تلفیق اهداف، راهبردها و سیاستها؛

۳. «سند اجرایی»: شامل برنامه‌ها، اقدامات، اولویت بندی اقدامات، تعیین نهادهای مسئول و سازمانهای اجرا کننده؛

۴. «سند منطقه‌ای»: شامل شیوه منطقه‌ای کردن اقدامات، و فرایندهای اجرایی برنامه‌ها و نحوه بررسی و نظارت برنامه‌ها و اقدامات.

در انتها پیشنهاد می‌شود در راستای انجام مطالعات بهینه و مناسب در زمینه هماهنگ سازی تأثرات اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی در ایران و کارآمدسازی تدوین طرح‌های پژوهشی و رویه اجرایی حاکم بر آن در زمینه مطالعات فرهنگی مسکن در مناطق مختلف ایران از نمودار زیر به عنوان الگوی فرآیندی استفاده گردد.

منابع و مآخذ

اشتری، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر سوم، اشتیانی، منوچهر (۱۳۸۳) ماکس وبر و جامعه

شناسی شناخت، تهران، نشر قطره. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بدای، ذبیح الله (۱۳۷۱) نیاز جان و فرش ترکمن، انتشارات فرهنگان، تهران.

برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، نشر خاک.

بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران. بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۵) ترکمن های ایران، انتشارات پاسارگاد، تهران.

پژوهنده، محمد حسین (۱۳۹۰) اندیشه های جامعه شناسی فرهنگ، نشریه اندیشه حوزه.

پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸) فرهنگ شناسی، نشر قطره، تهران.

پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صغه، سال ۱۶، شماره ۴۵.

پوردیهمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.

پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴-، ش ۴۱، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵؛ بهمن ۴۶).

پیتر همیلتون (۱۳۸۰) شناخت و ساختار اجتماعی، حسن شمس آوری، تهران، نشر مرکز.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶) زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، مترجم: پارسا، حمیدرضا؛ افلاطونی، آرزو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)؛ فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۴. ۱۳۸۰.

حبیب، فرح، (۱۳۸۵) کندوکاوی در معنای شکل شهر، در: نشریه هنرهای زیبا، ش ۲۵.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

حصوری، علی (۱۳۷۲) فرش های ترکمنی، انتشارات فرهنگان، تهران.

دنی کوش (۱۳۸۸) مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، مترجم: فریدون وحید، نشر سروش.

دهقانی، زکيه (۱۳۸۴) هویت از نظر راپاپورت، سایت انسان شناسی و فرهنگ.

ذبیحی، مسیح (۱۳۵۰) گرگان نامه، به کوشش ایرج افشار، نشر فرهنگ ایران.

راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان شناسی مسکن، ترجمه خسرو افیلیان، نشر حرفه هنرمند.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.

رضوی، مرتضی (۱۳۷۱) درآمدی بر جامعه شناسی شناخت، تهران، موسسه کیهان.

روح الامینی، محمود (۱۳۸۶) زمینه فرهنگ شناسی تألیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی، تهران، نشر عطار.

روسک، جوزف و رولند وارن (۱۳۵۵) مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران، نشر فروردین.

سارلی، طاهر (۱۳۸۱) اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ترکمن ها از دوران قاجاریه تا پایان پهلوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.

ساسن، ساسکیا (۱۳۸۹) جامعه شناسی جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران.

شورت، جان رنای (۱۳۸۸) نظریه شهری؛ ارزیابی انتقادی، مترجم زیاری، مهندژاد و پرهیز، کرامت اله، حافظ و فریاد، دانشگاه تهران، تهران.

علیزاده، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۵) جامعه شناسی معرفت، چاپ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

غریاق زندی (۱۳۷۸) چندفرهنگ گرایی و هویت فرهنگی در غرب؛ ضرورت ها و مشکلات، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۵.

غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

غفاری حمید (۱۳۷۸) جامعه چندفرهنگی غرب و اسلام گرایی، مجله انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تابستان، شماره ۲۸.

فاضلی، محمد (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی.

قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

کریمی مله (۱۳۸۶) چندفرهنگ گرایی و رهیافت های مختلف آن، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره چهارم، پاییز، صص ۲۴۸-۲۱۱.

کسرائیان، نصرالله (۱۳۷۰) ترکمن های ایران،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱۹۷

Bremner, L. (1994) "space & the nation: three texts on aldo rossi", *society & space*, No.12, pp: 287-300

Brenner, N. and Keil, R. (Eds.) (2006) "The Global Cities Reader". Routledge, London.

Brolin, B.C (1980) *architecture in context: Fitting new building with old*. New York: van Nostrand Reinhold.

Brolin, B.C (1980) *architecture in context: Fitting new building with old*. New York: van Nostrand Reinhold.

Castells, M. (1989) "the Informational City". Basil Blackwell, London.

Stokols, D. & I. Altman (1987) *handbook of environmental psychology*. New York: John Wiley & Sons.

Waterhouse, A. (1978) *Boundaries of the city: The Architecture of Western Urbanism*. Toronto: University Press.

Waterhouse, A. (1978) *Boundaries of the city: The Architecture of Western Urbanism*. Toronto: University Press.

انتشارات نگار، تهران.

کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹) *ترکمن های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴*.

کوئن، بروس (۱۳۸۴) *درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا*.

کوپر، جی سی (۱۳۷۹) *فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران*.

کورز، لوئیس آلفرد (۱۳۷۸) *نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی*.

گل محمدی، احمد (۱۳۷۸) *جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی*.

گلی، امین (۱۳۶۶) *تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، نشر علم، تهران*.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) *جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی*.

لاری، اسماور، ریچارد ای پورتر، لیزا ا. استفانی (۱۳۸۴) *ارتباط بین فرهنگها، مترجم: دکتر غلامرضا لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹) ترکمنهای ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شباهنگ*.

لینچ، کوین (۱۳۸۱) *سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم*.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۴) *مقدمات جامعه شناسی، ناشر منوچهر محسنی، تهران*.

محسنی، منوچهر (۱۳۸۰) *جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، نشر دیدار*.

Albrow, M. (1996) "The global age". Cambridge: Policy press.

Amos Rapoport, Some Further Thoughts On Culture And Environment, *Archnet-IJAR*, Volume 2 - Issue 1 - March 2008 - (16-39)

Bramely, Glen & Power, Sinead, (2005) *Urban from and Social Sustainability: The role of density and housing type*

Bremner, L. (1994) "space & the nation: three texts on aldo rossi", *society & space*, No.12, pp: 287-300